

Review:

Wherever a society is formed, there are also rights, and where governments consider the establishment of regulations useful for the flow of order and harmony in social life, it is necessary that these regulations be implemented on time against those who violate them. should be placed and the guarantee of the predicted executions should also be applied against them; The most severe of these executions are of a criminal type, and imprisonment is one of the accepted methods of preventing crimes and mistakes or their repetition and punishing criminals, especially those who commit theft. This punishment is the legislative history of Iran's penal law, explaining the thoughts of supporters and opponents to evaluate the weaknesses and strengths of this punishment. The results of this evaluation indicate that: first; Wamar's studies show that imprisonment, both with the philosophy of intimidation and deterrence and with the philosophy of reform and treatment, has met with practical failure. Not only has the crime committed in societies with a prison-based penal system not decreased, but the number of repeat crimes by those who were previously sentenced to prison have been, the number has been high. Secondly, in addition to this practical failure, there have been widespread criticisms of the negative effects of prisons, both economically and socially. The high economic costs of prisons, professional hardening of imprisoned criminals, disintegration of prisoners' families, etc. are among the other problems of prisons. Thirdly, the purpose of punishments is to reform the souls and refine them and strive for the happiness of human societies, not torture.

The question that arises in this article is, what is the opinion of the Iranian legislator regarding imprisonment? Unfortunately, the existence of many criminal titles with the punishment of imprisonment indicates that imprisonment and sending to prison has been considered as the most accessible tool for punishment and punishment, without taking into account the purpose of the punishments. Imprisonment should be fundamentally revised in the amount and number of criminal titles leading to imprisonment, and the judges handling the cases should be encouraged to use alternative punishments.

Keywords: imprisonment, correction, deterrence, criminology, punishment

بررسی سیر اندیشه های قانون گذار ایران پیرامون مجازات حبس و دیدگاه های موافق و مخالف

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

محمود بهرامی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۱

حسن پور بافرانی*^۲محسن شکرچی زاده^۳**چکیده:**

هرجا که جامعه ای تشکیل شده باشد، حقوق نیز وجود دارد و در جایی که دولت ها وضع مقرراتی را برای جریان نظم و هماهنگی زندگی اجتماعی مفید تشخیص می دهند، ضروری است که این مقررات درباه ی کسانی که ان را نقض می کنند، به موقع اجرا گذاشته شود و ضمانت اجراهای پیش بینی شده نیز علیه آنان اعمال گردد؛ شدیدترین این ضمانت اجراها از نوع کیفری هستند و مجازات حبس یکی از شیوه های پذیرفته شده در پیشگیری از جرم و خطا یا تکرار ان ها و مجازات مجرمین به خصوص مرتکبین سرقت می باشد. این مقاله در قالب روش تحلیلی و توصیفی می باشد که می کوشد ضمن تحلیل تاریخی این مجازات سابقه تقنینی قانون مجازات ایران؛ تبیین اندیشه های موافقین و مخالفین به ارزیابی نقاط ضعف و قوت ناشی از اعمال این مجازات بپردازد. نتایج این ارزیابی حاکی از آن است که: اولاً؛ مطالعات و امار نشان می دهد که حبس، چه با فلسفه ارعاب و بازدارندگی و چه با فلسفه اصلاح و درمان با شکست عملی مواجه شده است. نه تنها ارتکاب جرم در جوامع با نظام کیفری حبس محور کاهش نیافته؛ بلکه امار تکرار جرم توسط کسانی که سابقاً محکوم به حبس شده اند، رقم بالایی بوده است. ثانیاً؛ ضمن این شکست عملی انتقادهای گسترده ای به آثار منفی زندان هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ اجتماعی صورت گرفته است. هزینه های اقتصادی بالای زندان، حرفه ای تر شدن مجرمان زندانی شده، از هم پاشیدن خانواده های زندانیان و..... از اشکالات دیگر زندان بشمار می رود. ثالثاً؛ هدف از مجازات ها اصلاح نفوس و تهذیب ان ها و تلاش در جهت سعادت جوامع بشری است نه تعذیب.

سوالی که در این مقاله پیش می آید این است که نظر قانون گذار ایران پیرامون مجازات حبس کدام است؟ متناسفانه وجود عناوین مجرمانه زیاد با مجازات حبس، حاکی از ان است که حبس کردن و زندان فرستادن به عنوان سهل الوصول ترین ابزار برای مجازات و تنبیه تلقی گردید است، بدون آنکه هدف مجازات ها را مدنظر داشته باشند. به همین دلایل و با عنایت به تبعات و آثار منفی مجازات حبس، می بایستی تجدید نظر اساسی در میزان و تعداد عناوین مجرمانه منجر به حبس صورت گرفته و همچنین قضات رسیدگی کننده به پرونده هارا به استفاده از مجازات های جایگزین ترغیب و تشویق نمود

کلید واژه ها: حبس، اصلاح، بازدارندگی، کیفر شناسی، مجازات

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Bahrani.es2012@gmail.com

^۲ دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان hpoorbafarani@ase.ui.ac.ir

^۳ گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

Mohsen.shekarchi@gmail.com

مقدمه

واکنش کیفری در قبال رفتارهای بزهکارانه، سابقه ای به قدمت تاریخ بشریت دارد. بدینسان، همپای تحولات اجتماعی، اقتصادی و غیره، بزه نیز از لحاظ مفهوم، دامنه نوع و کیفیت در سده های اخیر دچار تغییرات بسیاری شده و واکنش اجتماعی نیز به تناسب شاهد دگر گونیهای وسیعی شده است.

در ادوار گذشته، ضمانت اجراهای کیفری، غالباً قالب مجازاتهای تریبی و تزدیلی اعمال میگردید. در این دوره، مجازات بر پایه انتقام و سرکوبی مجرم استوار بود و به شکل مجازاتهای بدنی قهر امیز و سایر مجازاتهای خشن متظاهر می شد.

کیفر حبس به عنوان یکی از واکنش های اجتماعی علیه پدیده مجرمانه همواره مورد توجه بشر و قانونگذاران در تمام جوامع بوده است. این کیفر با گسترش جوامع و پیشرفت بشر، جایگزین بسیاری از کیفرهای سخت و خشن روزگاران پیشین گردید. مجازات حبس به منزله یک مجازات اصلی، در تاریخ تحولات حقوقی کیفری (نیمه دوم قرن هجدهم) به عنوان یک واقعیت گریز ناپذیر در نظام های کیفری بسیاری از کشورها از جمله ایران وجود داشته است. هر چند در سیر تحول نظام کیفری، تحولاتی در رویکرد به فلسفه مجازات حبس و چگونگی اجرای بهتر آن پدید آمد. لکن پس از جنگ جهانی دوم، تحت تاثیر اقدامات جنبش دفاع اجتماعی با تاکید بر رعایت احترام به حقوق بشر و حق آزادی که بعد از حق حیات یکی از اساسی ترین حقوق بشر محسوب می شود جایگاه خود را پیدا کرد. بر همین مبنا چارچوب روابط قوای حاکم بر شهروندان مورد بازنگری قرار گرفت و حقوق شهروندی افزایش یافت و این مساله موجب افزایش تکالیف حکمرانان شد (نوابی، ۱۳۹۰: ۷۶). مردم به دنبال دولت های پاسخگو بودند و انتظار داشتند که حاکمان حقوق اولیه شهروندان از جمله حق حیات و حق آزادی آنان را به صورت تمام و کمال، هم در برابر افراد متجاوز و هم در برابر مسئولان حکومتی حفظ و حراست کنند. اهمیت حقوق اساسی شهروندان به ویژه حق آزادی، سلب آزادی از افراد را به عنوان یک استثناء و آخرین حربه مطرح کرد و گستردگی استفاده از حبس را زیر سوال برد و سلب آزادی تنها برای جرایم مهم و خطرناک مجاز شمرده شده و از این جهت به لحاظ نظری مشروعیت حبس دچار تردید شد و کمتر کسی سلب آزادی از تمام مجرمان را می پذیرفت (شیخی منش، ۱۳۸۹: ۷۵).

حبس، مجازاتی در فقه و حقوق به معنای بازداشتن مجرم یا متهم از تصرف در برخی امور خویش و ایجاد محدودیت برای او. (جوهری: ۱۳۷۶: ۸۵)

از حبس به معنای دوم در باب‌های صلات، حج، ایلاء، کفالت، قضاء، حدود و قصاص سخن گفته‌اند.

حبس در لغت به معنای بازداشتن و مکان بازداشت است. بر این اساس، مفهوم واژه حبس صرفاً ناظر به محدود کردن شخص و بازداشتن او از دخالت و تصرف در امور خویش است و ویژگی‌های مکان حبس و میزان امکانات آنان در آن تأثیری ندارد. (باهری: ۱۳۸۵: ۷۵)

در این مقاله با روش تحلیلی و توصیفی است که ابتدا به تاریخچه اجرای حبس و ارزیابی اندیشه‌های کیفرشناسی پیرامون حبس، و دیدگاه مخالفان اجرای حبس خواهیم پرداخت.

۱- تاریخچه اجرای حبس:

مطابق آنچه از کتب و منابع موجود برمی آید در قوانین دوره هخامنشیان به پیروی از قانون حمورابی، زندان جایگاهی در میان کیفرها نداشته؛ مجازات‌های عسرساسانی نیز اعدام، قطع عضو، نقص عضو، شلاق، تبعید و بویژه جزای نقدی است. بدین ترتیب باید معتقد بود که زندان در دوران پیش از اسلام بعنوان مجازات محکومان مرسوم نبوده است و ((قلعه فراموشی)) که برخی از آن به ((باستیل)) تعبیر کرده اند در عصر ساسانیان اغلب اختصاص به بزرگان و شاهزادگانی داشته که متهم به جرم خیانت شده ولی شاه از اعدام آنان صرف نظرمی کرده است. برخی بر این باورند که گویا زندان برای نخستین بار در زمان خسرو پرویز در ایران به ور گسترده‌رایج شد که ان هم نه به عنوان مجازات بلکه به مثابه ی یک اقدام تأمینی بود که مجرم در حبس نگاه داشته می شد تا توبه کند که در غیر این صورت، مجازات اصلی یعنی اعدام درباره ی وی اجرا می شد. و در رسیدگی تفتیشی، حبس در کنار مجازات‌های بدنی و اقسام شکنجه و ایذاء و آزار محکومان، ابزار اعمال قدرت حکومت‌های وقت شد (اشوری، ۱۳۹۴؛ ۱۴-۱۲).

زندانها بعد از اسلام تا عهد ناصری وضع رقت باری داشته اند چنانکه ناظم الاسلام کرمانی در این باره چنین مینویسد ((زندان عبارت بود از اتاق تاریک، مرطوب و کثیفی که در آن جز غل و زنجیر برای گردن و پشه و کک و شپش و ساس برای اذیت دیگر چیزی پیدا نمی شود. در بیست و چهار ساعت شبانه روز پنج سیر نان خشک به هریک میدهند. آب خیلی کم و به ندرت میدهند برای این که محتاج ادرار نگردند. درب زندان کوچک بوده و برخی

اوقات رعایای خارجه و آرامنه به تماشای آنها می آمدند و بر حال آنها گریه میکردند (کرمانی، ۱۳۶۳: ۱۷۰).

در سال ۱۳۰۴ یعنی سال تهیه و تصویب قانون مجازات عمومی که برخی آن را سال تولد حبس در ایران (گودرزی و مقدادی، ۱۳۸۶: ۱۶) به شمار آورده اند؛ نخستین قانون نامه کیفری ایران، که به ویژه در اصول عمومی حاکم بر جرائم و مجازاتها و انواع کیفرها از قانون نامه جزائی ۱۸۱۰ میلادی فرانسه مشهور به کد کیفری ناپلئون اقتباس شده بود، مجازات سالب آزادی (حبس) را به طور گسترده وارد حقوق ایران کرد، چنانچه انواع حبس از موقت تا ابد به عنوان تنها مجازات یا یکی از مجازاتهای اصلی جرائم جنایی، جنحه ها و خلافی؛ پیش بینی شد. در سال ۱۳۰۸ اولین زندان ایران (زندان قصر) جهت نگهداری ۶۰۰ نفر محکوم بنا گردید (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۵: ۱۰).

((شایان ذکر است که قانون مزبور از قانون مجازات ۱۸۷۱ فرانسه گرفته شده و مجازات های مزبور با الگو پذیری از این قانون به نظام حقوقی ایران راه یافته بود. حبس با اعمال شاقه در فرانسه ابتدا با بکارگیری محکومان در کشتی های و پس از آن با به کارگماردن در معدن ها و انجام کارهای سخت و مشقت اور اجرا می شد. اجرای این قسم از مجازات حبس در ایران نیز به همین ترتیب بوده است. معمولاً محکومان در معدن ها و کارهایی از این قبیل به کار گرفته می شدند. برپایه موازین و معیارهای حقوقی، محکوم به حبس مجرد می بایست همه مدت محکومیت خود را در یک سلول کوچک و به شکل انفرادی سپری می کرد ولی در عمل به علت فراوانی محکومان و کمبود جا در بیشتر موارد محکومان در بندهای عمومی نگهداری می شدند)). (صانعی، ۱۳۵۴: ۲۰۵).

لیکن پس از تصویب قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲ و وضع زندان ها دگرگون شد و بجای مجازات های حبس سخت قبلی چهار نوع حبس پیش بینی شد، محکومیت به حبس فقط با سلب آزادی از محکوم و سپری ساختن مدت محکومیت درون حبس اجرا می شد.

پس از انقلاب اسلامی قانونگذار در سال ۱۳۶۲ با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی طی مواد ۱۴ تا ۱۷ تقسیم بندی جدیدی را ارائه کرد و حبس را یکی از مجازات های تعزیری در نظر گرفت که موجب اختلاف نظر جدی در باره مجازات حبس در حقوق جزای ایران گردید بدین شرح که مجلس شورای اسلامی حبس را مهم ترین و اصلی ترین مجازات

تعزیری می دانست و برای بسیاری از جرائم مجازات حبس پیش بینی شده بود در حالیکه از نظر شورای نگهبان شلاق به منزله مجازات تعزیری به رسمیت شناخته می شد. البته شورای نگهبان قانون تعزیرات را به این دلیل که برای برخی از جرم ها مجازات حبس در نظر گرفته شده بود مورد تایید قرار نداد و این قانون با گذشت مدت اعلام نظر شورای نگهبان اعتبار قانونی یافت.

در سال ۱۳۷۰ مجازات دیگری به منزله مجازات های بازدارنده به آنها افزوده شد ولی این قانون به شکل ناتمام تصویب شد. علت اصلی نیز همان وضع مجازات حبس برای جرم های تعزیری و بازدارنده بود. در سال ۱۳۷۵ کتاب پنجم عزیرات و مجازات های بازدارنده به تصویب رسید. در این مرحله مجلس شورای اسلامی تا اندازه بسیاری از وضع مجازات شلاق برای بسیاری از جرم ها چشم پوشی کرد و به جای آن مجازات حبس را مدنظر گرفت و شورای نگهبان نیز با آن مخالفت نکرد. ((به این ترتیب مجازات حبس به منزله مهم ترین مجازات تعزیری در نظام حقوقی ایران جلوه گر شد. این دگرگونی را می توان احیای دوباره حبس در نظام حقوقی ایران به حساب آورد (رستگار، ۱۰۴). مطابق یک بررسی اماری ((در قوانین کیفری ایران حدود ۱۴۰۰ عنوان مجرمانه وجود دارد که برای ۴۰۰ مورد از موارد مذکور آنها مجازات حبس پیش بینی شده است)) (گودرزی، ۱۳۸۲، ۱۳۸).

۲- ارزیابی اندیشه های کیفر شناختی پیرامون حبس:

در طول تاریخ از اجرای مجازات ها همیشه اهدافی رادنبال می کرده اند، در گذشته های دور هدف از اجرای مجازات ها، ارباب فردی و عمومی یا به عبارتی دیگر بازدارندگی فردی و عمومی بوده است که به همین دلیل مجازات ها خشن و بی رحمانه بوده اند تا بیشترین بازدارندگی را موجود شود. به تدریج با ورود به عصر روشنگری و تغییر دیدگاه ها نسبت به مجازات و اهداف آن، دگرگونی در نوع و نحوه و میزان مجازات ها صورت گرفته است.

زندان به منزله یک مجازات همواره در معرض انتقاد و ایراد مخالفین از یک سو و ترویج موافقان از سوی دیگر قرار داشته است. موافقان به برشمردن آن به ویژه در مقایسه با سایر مجازات ها و مخالفان نیز به ذکر عیب های آن پرداخته اند، که هر یک از دیدگاه های موافقان و مخالفان به وطر اختصار مورد بحث قرار می گیرد:

۲-۱- دیدگاه موافقان اجرای مجازات حبس

مجازات زندان کیفر معمول در دوره معاصر است، مجازات حبس علاوه بر بازدارندگی عام، هزینه کمتری داشته و دفاع اجتماعی را به ویژه در جرم‌های مهم به خوبی فراهم می‌کند. این مجازات جبران مناسبی در برابر بزه ارتكابی است. امروزه حتی با شروع هزاره سوم میلادی، در بسیاری از کشورها و از دیدگاه مردم عادی عدالت کیفری معادل با زندان تلقی می‌شود؛ تا آنجا که از قضات توقع دارند نه تنها در جرم‌های مهم بلکه در جرم‌های متوسط و کوچک نیز به این ضمانت اجرا متوسل شوند، مجازات سالب آزادی را تنها شهروندان عادی پشتیبانی نمی‌کنند؛ برخی از صاحب نظران نیز به ضرورت استفاده از آن تاکید دارند.

به نظر موافقان، حبس بهترین نوع مجازاتی است که تاکنون بشریت به وجود آن آگاه شده است و تا زمانی که نتوان کیفر مناسب‌تر از حبس معرفی کرد بلیید از آن بعنوان تامین کننده بیشترین هدف‌های کیفری استفاده شود؛ در این قسمت سعی داریم پاره‌ای از مزایا و محاسن این واکنش کیفری را به اختصار ارزیابی کنیم.

۲-۱-۱- اصلاح و تربیت و درمان مجرم:

اعتقاد به اصلاح و تربیت مجرم در همه ادوار وجود داشته است. افلاطون گفته است: «(قانونگذار بایستی مجرم را مانند بیماری که محتاج درمان است بنگرد و به او یاد دهد که چطور از ارتكاب به گناه خودداری کند.)» (گودرزی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۶). با شروع جرم‌شناسی علمی در قرن هجده بالاخص با تولد مکتب تحقیقی اصلاح به عنوان یکی از مهمترین اهداف زندان جلوه گر شد. اما دیری نپایید که در قرن نوزدهم این کارکرد اصلاحی به مناظره‌های بی‌پایان در مورد امکان در مان یا بازپروری موثر و ایجاد محیطی بازدارنده منجر شده است (گودرزی و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۸).

در مورد مجازات‌های تعزیری نظریه اصلاح و بازپروری بسیار روشن‌تر است؛ زیرا تعیین مقدار و نوع مجازات تعزیری به نظر قاضی وابسته است و بدیهی است که قاضی با توجه به معلوم و معارف زمان خود و مصالح فردی و اجتماعی می‌تواند از بهترین ابزار موجود برای تحقق اهداف مورد نظر اسلام استفاده ببرد.

بنابراین مطلوبیت کیفر به خاطر حصول به اهدافی است که بعضاً با اصلاح مجرم و بازگرداندن وی به اغوش جامعه حاصل می‌گردد. از این رو مجازاتی همچون حبس نیز در راستای اصلاح مجرم‌ان اعمال می‌گردد. بنابراین مجازات حبس با شرایط ویژه خود، این

امکان را به مجرم می دهد که به تفکر در مورد گذشته و اعمال خویش پرداخته و زمینه بازگشت و اصلاح در او ایجاد گردد .

۲-۱-۲- پیشگیری از تکرار جرم و بازدارندگی ان

مهمترین هدف از اجرای مجازات ها از زمانهای بسیار دور، جنبه ی ارعاب و بازدارندگی ان بوده است، که همان جنبه ی پیشگیرانه و سودمندانه ی کیفر است. به این مفهوم که مجازات ان چنان ترس و واهمه ای ایجاد میکند که در وهله اول نسبت به خود بزهکار تا تمایل به ارتکاب مجدد بزه را از سر بیرون کند و دیگر دنبال بزهکاری نگردد که همان ارعاب فردی است، و در مرحله ی دوم اجرای مجازات نسبت به شخص بزهکار، دیگران رانیز تحت تاثیر قرار دهد. با مجازات حبس مجرم علاوه بر اینکه خود اوبه لحاظ محرومیت از آزادی به عنوان اولین نعمت بشری و سختی متنبه می گردد، اهرمی پیشگیرانه در جهت جلوگیری از ارتکاب جرم از سوی افراد جامعه می گردد .

۲-۱-۳- صیانت از جامعه و حفظ جامعه از مجرمین خطرناک

سلب توان بزهکاری، به معنای محدود کردن حرکت و آزادی بزهکار و در نتیجه سلب هر گونه قابلیت ارتکاب جرم مجدد و نیز راهکاری برای دفاع اجتماعی است. علاوه بر پیشگیری مستقیم، فایده دوم سلب توان بزهکاری، مربوط به بازدارندگی عام در رابطه با کسانی است که زمینه های و سوسه ارتکاب جرم در آنها وجود دارد (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۸۷).

فردی که قوانین و مقررات جامعه را زیر پا گزارده و نظام اجتماعی را مختل ساخته و به نوعی به حقوق افراد یا جامعه لطمه وارد ساخته است، چنانچه با واکنش مناسب جامعه مواجه نشود، آن چه به مخاطره خواهد افتاد، قطعاً و یقیناً حیات جامعه بود. لذا ضروری است که به منظور حفظ نظام و دفع شر از جامعه، فرد خاطی تا اصلاح کامل مدتی از جامعه دور باشد تا خطرات ناشی از حضور قانون شکنان به دوام و قوام جامعه لطمه وارد نکند و برای نیل به این هدف، شاید بتوان گفت بهترین مجازات در میان مجازاتها؛ حبس می باشد که در این خصوص ان را از سایر مجازاتها متمایز میکند و در صورت حذف مجازات زندان معلوم نیست که با مجرمین خطرناک و تکرار کنندگان جرم چگونه باید رفتار کرد و با چه وسیله ای جامعه را از خطر این گونه افراد حفظ کرد. (اشوری، ۱۳۸۵: ۳۹).

۴- مناسب تر بودن و برتری داشتن در مقایسه با سایر مجازات ها

کیفر حبس نسبت به سایر مجازات ها برتری دارد که به شرح ذیل می باشد :

الف- در خصوص مجازات اعدام با عنایت به اینکه اعدام طرد همیشگی فرد از جامعه است به هیچ وجه امکان بازگشت فرد به اغوش جامعه را فراهم نمی‌سازد و از طرفی آثار سازندگی و اصلاحی آن نیز به اثبات نرسیده است و لذا کیفر حبس از این جهت که می‌تواند زمینه ساز اصلاح مجرم و بازگشت او به جامعه اش باشد بسیار مفیدتر از اعدام می‌باشد.

ب- در رابطه با مجازات تبعید با توجه به اینکه مجرمی که به تبعید محکوم می‌شود اولاً خطر او به طور کامل از جامعه دفع نمی‌شود و در واقع جامعه‌هاز مخاطرات او در امان نیست، چرا که یک فرد مجرم تنها از نقطه ای به نقطه دیگر انتقال یافته و این کیفر دفع شر از جامعه را تضمین نمی‌نماید به علاوه فرد مجرم به دلیل نداشتن اشتغال و منبع درآمد در محل جدید، امکان ارتکاب سایر جرایم را از روی ناگزیری دارد. (شیخی منش، ۱۳۸۹: ۷۱).

پ- در خصوص مجازات شلاق باید گفت که تجربه نشان داده است که مجازات هایی که در مدت طولانی اعمال می‌شود نسبت به مجازات های انی و زودگذر اثر اصلاحی بهتری دارند و اثرات بازدارندگی آنها به مراتب بیشتر است. اگرچه شلاق نسبت به حبس ممکن است، امتیازاتی داشته باشد اما واقعیتی است که درد ناشی از شلاق انی و زودگذر است، خیلی زودتر از آزار زندان که مستمر و طولانی است زایل خواهد شد و اگر جنبه ترذیلی و شخصیتی آن در نظر باشد بازهم زندان جنبه ترذیلی بیشتری داشته و دیرتر فراموش می‌شود، ضمن اینکه شلاق در عرف بین المللی نیز مجازات پذیرفته شده ای نیست. (علیپور، ۱۳۸۶: ۷۶).

جزای نقدی نیز اگرچه یکی از کیفرهای رایج و مناسب است لکن از این جهت که تبعیض آفرین است، نمی‌تولند با مجازات زندان برابری کند چراکه در جزای نقدی افراد متمکن و متمول به راحتی و با پرداخت جریمه بدون کمترین فشاری مجازات را تحمل می‌کنند. در حالی که افراد فقیر و مستضعف (به لحاظ مادی) یا کمرشان در زیر پرداخت جریمه خم می‌شود یا ناگزیرند به دلیل عجز از پرداخت جزای نقدی راهی زندان شوند. (شیخی منش، ۱۳۸۹: ۷۵).

خلاصه این که زندان در صورتی که با شرایط استاندارد و اصول تعریف شده اداره گردد می‌تواند محیط مناسبی برای بازسازی شخصیت مجرم و بازگشت شرافتمندانه او به جامعه و سازگاری با اجتماع باشد. به گونه ای که در اکثر جوامع دنیا، دستور مجازات حبس به

عنوان مهمترین و موثرترین مجازات می باشد و جایگزین مناسبی در حقوق کیفری کشورها برای آن پیدا نشده است.

۲-۲- دیدگاه مخالفان اجرای مجازات حبس:

انسان های سده هجدهم معتقد بودند که زندان موجب عبرت زندانی و نیز مجرمان بالقوه ای است که هنوز به ارتکاب جرم دست نیازیده اند. در سده نوزدهم، بر ندامت و پیشیمانی محکوم تاکید می شود و در سده بیستم، با شروع انتقاد از زندان های کوتاه مدت و اثبات زیان آور بودن آن، به نظریه اصلاح و درمان روی می آورده شده است. ولی متأسفانه همه این امیدها برباد رفت و زندان در رسیدن به هدف هایی که بر یا آن منظور شده بود ببا شکست روبه روشد.

۲-۲-۱- ناتوانی از پیشگیری جرم

یکی از اهداف مجازات ها، ارباب و بازدارندگی می باشد و یکی از کارکردها و اهداف زندان پیشگیری از جرم است، یعنی جنبه ی بازدارندگی آن. در وهله ی اول، بازدارندگی فردی نسبت به شخص مجرم است که علی القاعده باید پس از تحمل مجازات زندان دیگر مرتکب بزه نشود و در وهله ی دوم، بازدارندگی عمومی نسبت به سایر افراد جامعه است که با اجرای کیفر زندان در مورد دیگران ترس و واهمه داشته و قصد مجرمانه خود را عملی نکرده و از آن منصرف شوند. تعبیر جلوگیری از اندیشه ارتکاب مجدد جرم از سوی مرتکب را پیشگیری خاصیا خصوصی و جلوگیری از ارتکاب جرم به تقلید از بزهکار سایر شهروندان را پیشگیری عام یا عمومی می نامند (بولک، ۱۳۸۲؛ ۳۱). اما در عمل آمارها نشان می دهد که این چنین نشد هم تعداد زیادی از زندانیان ازاد شده پس از تحمل کیفر دوباره مرتکب جرم شده و هم تعدادی از آن ها به زندان بازگشته اند و هم سایر مردم نیز بی پروا و بی محابا مرتکب جرم می شوند.

ترس از زندان در وجود هر بزهکاری نهفته است این ترس در حد اکمل آن قبل از اولین ورود هر بزهکار به زندان می باشد، با اولین ورود متهم یا بزهکار به زندان ترس از زندان در وی کمرنگ می شود و انگیزه برای ارتکاب جرم افزایش می یابد، (طالبی، ۱۳۸۴؛ ج ۱، ۱۳۱). لذا از نظر جرم شناسی می توانیم بگوییم، زندان فقط پارکینگ انسان ها است؛ زندان رسالت عبرت اموزی و ارباب انگیزی خود را حداقل نسبت به نیمی از محکومان از دست داده است و فقط جنبه ی انتقام جویی خویش را به منصفه ی ظهور رسانده است (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۱؛ ۳۷).

طبق آمارها بین ۳۰ تا ۵۰ درصد کسانی که از زندان آزاد می‌شوند، مجدداً مرتکب جرم می‌شوند، (محسنی، ۱۳۸۷: ۶۷)؛ علت عدم موفقیت نقش بازدارندگی را برخی در این می‌دانند که ((جرم ناشی از عواملی از قبیل فقر، بیکاری، بی‌سوادی، مهاجرت و غیره است که زندان در از بین بردن آن‌ها هیچ نقش و تأثیری نخواهد داشت و تا وقتی علل و زمینه‌های ارتکاب جرم در جامعه وجود داشته باشد زندان از ارتکاب جرم پیشگیری نخواهد کرد)) (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

در پژوهشی که از زندان قصر به عمل آمد محققان متوجه شدند بیشتر زندانیان به علت جرایم سنگین‌تر نسبت به جرایم قبلی به زندان بازمی‌گردند و به دوستان خود وعده‌ی دیدار می‌دهند (عبدی، ۱۳۷۱: ۲۷۲).

وقتی زندان نمی‌تواند از ارتکاب جرم پیشگیری کند و مصونیت افراد آن را فراهم سازد، بی‌شک جامعه نه تنها نمی‌تواند با توسل به آن، امنیت قضایی را برقرار سازد، بلکه بی‌اعتمادی و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی را نیز سبب و موجب خواهد شد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

۲-۲-۲-اصلاح و درمان بزهکاران

همواره یکی از اهداف مجازات‌ها بازپروری مجدد اجتماعی بزهکاران و اصلاح و درمان آن‌ها می‌باشد. اندیشه‌ی اصلاح و درمان بزهکاران و بازسازی مجدد وی یکی از آموزه‌های فکری مکتب دفاع اجتماعی می‌باشد؛ بولک معتقد است که ((اصلاح مقصر با این هدف است که او دوباره به راه خطا بازنگردد)). البته مراد، بهبودی اخلاقی بزهکار نیست، زیرا برای حقوق‌کیفری، بهبودی اجتماعی که مجرم سابق را به سوی پیروی از قواعد اولیه زندگی در جامعه سوق می‌دهد کافی است. (بولک، ۱۳۸۲: ۳۳)

رسالت انطباق‌پذیری مجدد در مجازات‌هایی که حذف دائمی محکوم را به دنبال نداشت، هرگز کاملاً نادیده گرفته نشده است. چیزی که باگذشت زمان و توسعه‌ی شناخت‌های علمی در این خصوص تغییر کرده است، بیشتر بینش و تصور بهترین وسایل و امکانات برای اصلاح فرد است. تحول اندیشه‌ها در این خصوص، که به تدریج از مفهوم ضمانت اجرا به مفهوم (رفتار اصلاحی) روی آورده، خواهیم دید (بولک، ۱۳۸۲: ۳۴).

برنامه‌های اصلاحی، تربیتی اجرا شده در محیط‌های بسته‌ی زندان ناموفق بوده‌اند زیرا ریشه‌های اصلی بزهکاری همچنان ناشناخته باقی مانده و یا در صورت شناسایی و آشکار

بودن نیز حل نشده اند. در مراودات زندانیان، اثری از رعایت نزاکت و ادب دیده نمی شود و اکثر مجرمان جرم خود را کتمان نمی کنند (عبدی، ۱۳۷۱: ۲۷۲)

تحقیقات جرم شناسی نیز موید این واقعیت است که اساساً اجرای مجازات زندان با اندیشه بازپروری و اصلاح بزهکاران منافات دارد، زیرا آنچه محرک و انگیزه اصلی برای ارتکاب جرم است، تمایلات نفسانی و اندیشه های مجرمانه ای است که خود می تواند بر حسب شخصیت افراد مختلف، دارای وجوه گوناگون و اشکال متفاوتی باشد. لذا اجرای زندان به جای آنکه به علت یابی تمایلات مجرمانه بپردازد و در جهت تهذیب نفس روح آدمی تلاش کند، تمرکز غایی خود را بر طرد بزهکار و ترذیل شخصیت او قرار می دهد. (میلکی، ۱۳۸۵: ۲۲)

زندان آموزشگاه مناسبی برای زندانیان نمی باشد هرچند که کلیه امکانات آموزشی در آنجا فراهم باشد. برعکس چه بسا محلی برای آموزش های منفی و ضد اجتماعی باشد و چه بسا مجرمانی اموخته تر و بزهکارانی توانمند تر از قبل از ورود به زندان در زمینه برخوردهای منفی تربیت کند و آنان را با توجه به اندوخته های منفی، تبدیل به مجرمان حرفه ای نماید (طالبی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۱۳۱). بدین ترتیب مهم ترین نقص مجازات سلب آزادی افزایش خطر تکرار جرم است که آن را تا حدود ۵۰ درصد دانسته اند (پیکا، ۱۳۹۰: ۱۰۸). به هر حال به لحاظ مشکلات و ایراداتی که بر زندان ونحوه اجرای آن وارد می باشد جنبه های اصلاحی و بازپروری کیفر حبس دچار تردید و شکست شده به گونه ای که زندان امروزه علیرغم تاکید بر جنبه های اصلاح و تربیت و درمان و بازپروری آن، نه تنها نتوانسته در درمان و اصلاح بزهکاران موفق باشد بلکه نرخ تکرار جرم ارتكابی توسط زندانیان بعد از آزادی از زندان افزوده شده است.

۲-۲-۳- جرم زا بودن محیط زندان

مخافان کیفر حبس معتقدند که زندان در عمل به یک محیط جرم زا و مجرم پرور تبدیل شده است (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۲۱)؛ چرا که اولاً یکی از بزرگترین مشکلاتی که امروزه زندان ها برای جوامع بشری افریده اند، تبدیل شدن زندان ها به مرکز آموزش جرم و قانون شکنی است، در بسیاری از موارد کسی که با ارتکاب جرم کم اهمیت به زندان رفته ممکن است با بزهکاران خطرناک و سابقه داری مرآوده داشته باشد که به سادگی جرائم سنگین را مرتکب شده اند و به مجرم حرفه ای تبدیل شده اند. ثانیاً: زندانی با آزاد شدن موجب انتقال فرهنگ و متون مجرمانه به سایر عموم افراد جامعه می شود و پدیده ای به نام ((فرهنگ پذیری از

زندان)) ممکن است نسبت به عموم افراد جامعه نیز رخ دهد و افراد زیادی به سمت ارتکاب بزه بالگوپذیری از زندانی سوق پیداکنند بنابراین در جرم‌شناسی معاصر نظریه ای با عنوان ((فرهنگ پذیری زندان)) مطرح شده که گونه های فرهنگ زندان در طول اقامت در حبس، بر شخصیت و رفتار زندانیان تاثیر می گذارد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۱: ۳۷۶).

ثالثا: زندان مکان مناسب برای ارتکاب خشونت و ستیزه جویی می باشد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). این خشونت و ستیزه جویی ممکن است یا در نتیجه رفتار زندانیان نسبت به همدیگر باشد یا در شورش های زندانیان متبلور گردد که منشا آن میتواند رفتار نامناسب مامورین زندان بوده یا اوضاع و احوال حاکم بر زندان و مشکلات بهداشتی باشد.

۲-۲-۴- تعارض با اصل شخصی بودن مجازات زندان

یکی از اصول حاکم بر مجازات ها اصل شخصی بودن مجازات هاست و تخلفات و تعدیات هیچ کس به پای دیگری نوشته نمی شود. کیفر حبس اگرچه در ظاهر بر خود زندانی تحمیل می شود اما باید گفت که: زندانی شدن مجرم بیشک، به شکل غیر مستقیم اثار زیانبار مالی، معنوی، فکری و روحی را بر خانواده به بار می آورد، در نتیجه به اصل شخصی بودن خدشه وارد می شود و این عمل مجازات را از حالت شخصی بودن خارج می کند.

یکی از محققان در این باره می گوید: ((تاثیر مهمی که زندانی شدن فرد بر او وارد می کند در زمینه خانوادگی است. وقتی فردی به خاطر هر جرمی محکوم بر حبس شود افرادی که دارای همسر و فرزند می باشند به خاطر دوری از خانواده و بی سرپرستی آن ها دچار مشکلات روحی و روانی در زندان خواهند شد و خانواده او هم بر اثر بی سرپرستی در جامعه ممکن است به انحراف و فساد کشیده شوند.)) (رستمی، ۱۳۸۸: ۳۲).

خانواده با نقشی که در حفظ اداب و سنن فرهنگی و انتقال آن ها به نسل های آینده دارد، فرهنگ را زنده نگاه می دارد بنابراین خانواده را از پاره ای جهات می توان نماینده جامعه دانست و ناتوانی خانواده در اجرای کامل کارکردهایش گویای این واقعیت است که جامعه نیز به هدف های خود نخواهد رسید زیرا هر جامعه ای کوشش دارد تا نسل های آینده و متفکر در خود پرورش دهد و هسته این بالندگی درون خانواده شکوفا میشود (محسنی و پیراسته، ۱۳۹۳:). عدم وجود والدین در خانواده منجر به بروز اختلال در فرایند الگوپذیری می شود؛ چرا که عناصر اصلی خانواده، هم مسئول جامعه پذیری فرزندان هستند و هم باید در خارج از خانواده بر آن ها نظارت داشته باشند، لذا عدم حضور عناصر اصلی خانواده در

کارکرد های نظارتی و تربیتی و عوامل موثر بر جامعه پذیری فرزندان اثرات منفی بر جای گذارده و فرزندان توانایی انطباق و سازگاری بهینه با جامعه را نخواهد داشت. بررسی ها و مطالعات نشان می دهد که نداشتن تجربه مستقیم با پدری به عنوان مدل و الگو و همچنین پدری که نتواند الگو مدل رفتاری مناسب داشته باشد، فرزندان را از نظر رفتارهای اجتماعی دچار مشکل می سازد (زیبراس و حلاج زاده، ۱۳۹۰: ۴۰). از سوی دیگر فرد مجرم پس از ورود به زندان به لحاظ یادگیری اجتماعی و فرایند تقلید، رفتارهای حاضر حاکم در زندان را به عنوان خرده فرهنگ می-آموزد و با توجه به اینکه فرزندان رفتارهای خود را از ولدین می آموزند، لذا فرایند انتقال رفتارهای انحرافی را به لحاظ حور پدر در زندان می توان مشهود داشت. (زیبراس و حلاج زاده، ۱۳۹۰: ۴۷).

از سوی دیگر زمانی که سرپرست خانواده زندانی می شود چنین خانواده ای از مشکلات اقتصادی و درآمد مکفی برای گردش اقتصادی بر خوردار نخواهد بود (طالبی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۱۳۱). لذا موارد بیان شده و موارد دیگری که از بیان آن صرف نظر گردید منافات با اصل شخصی بودن مجازات حبس بوده، و آثار اجرایی آن بر بستگان و خانواده زندانی نیز اثر گذار می باشد.

نتیجه گیری

همواره در طول تاریخ، بزهکاری و ارتکاب جرم و جنایت به عنوان پدیده غیر انسانی و ضد ارزشهای اخلاقی و اجتماعی شناخته شده و تبهکاری به عنوان تکان دهنده ترین آسیب اجتماعی در روابط میان فرد و جامعه مطرح بوده است. واکنشهای فردی و اجتماعی نیز پیوسته در برابر اعمال تبهکارانه ی خطاکاران، به شکل تدافعی و تنبیهی نمود می یافته و در قالب اعمال مجازاتهای گوناگون تجلی پیدا می کرده است. مجازات حبس از جمله مجازاتهایی است که در مکاتب مختلف و اکثر کشورها به منزله جایگزینی برای مجازات های شدید بدنی مثل اعدام وجود داشته و رایج می باشد و اهدافی چون ایجاد امنیت و آرامش در جامعه احقاق حقوق فراد، تنبیه و سزادهی فرد مجرم، جلوگیری از وقوع جرم احتمالی توسط دیگر افراد جامعه، تنبیه و سزادهی به مجرمین، التیام و تشریف خاطر بزه دیده و مهمتر از همه اصلاح و بازپروری فرد مجرم را در نظر داشته است.

لکن با پیدایش مکتب اثباتی در پایان سده نوزدهم و تاکید بر ضرورت استفاده از اقدامات تامینی به جای مجازات حبس، رفته رفته نگرش های انتقادی نسبت به مجازات حبس مطرح گردیده است و رفته رفته با گذشت زمان و افزایش جمعیت کیفری، ناکار آمدی مجازات

حبس خود نمایی کرد تا جایی که اهداف و رسالت مورد نظر به طور مطلوب محقق نشد و با شکست روبرو گردید. چراکه امارها نشان می‌دهد که بخشی از جمعیت کیفری زندان را، تکرار کنندگان جرم تشکیل می‌دهند و همچنین زندان خود به عنوان مکانی جرم خیز تبدیل شده است و مجازات حبس که روزی به عنوان یک راه حل در راستای مبارزه با جرایم در قانون پیش بینی گردید، علمای حقوق در سرتاسر جهان را برانداشته تا در پی یافتن چاره‌ای جهت رفع این معضل باشند. جنبشی تحت تاثیر مکتب تحقیقی شکل گرفت در پی این بود که با توجه به آسیب‌های فراوان حبس، به طور کلی این مجازات را از فهرست کیفرها پاک کند لیکن با عنایت به عدم امکان حذف کامل این مجازات از قوانین کیفری می‌بایستی در میزان و نحوه اجرای آن بازنگری صورت گیرد؛ از آن جمله در حبس‌های کوتاه مدت جهت کاهش لثار منفی آن که موجب صدمات شخصیتی - اجتماعی و خانوادگی می‌شود از مجازات‌های جایگزین حبس استفاده شود. البته اجرای این نوع مجازات‌ها چندان سهل و آسان نیست، چراکه در جامعه‌ای که تاکنون سزادهی در نظام کیفری آن سخن اول را به زبان رانده است و قضات آن در این راستا بیشترین استفاده را از مجازات زندان نموده‌اند، به طوری که زندان در افکار عمومی جامعه مصداق بارز عدالت است به نظر مشکل است.

به هر حال کرامت انسان به واسطه مجازات‌ها از بین نمی‌رود بلکه عاملی برپایه حفظ کرامت سایرین و اصلاح شخص مجرم که در واقع شخصی بیمار است می‌باشد. از آنجا که برخی از مجازات‌های شدید من جمله حبس‌های طولانی مدت موجبات انزوای فرد را به وجود آورده و وی فرد را انگشت‌نمای جامعه خواهد ساخت جایگزین نمودن مجازات‌های مفیدتر زمینه‌ساز حفظ بیشتر کرامت انسانی شده و قوانین وجه بشر دوستانه خود را نیز از دست نمی‌دهد.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و نتایج به دست آمده پیشنهادهای ارائه می‌گردد:

۱- استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس برای حبس‌های کوتاه مدت، مجرمین اتفاقی و نوجوانان بزه‌کار، نظر بر آن است که با توجه به وضعیت فعلی زندان‌ها، بایستی تا حد امکان از اعمال کیفر حبس اجتناب ورزید تا با خلوت شدن زندان‌ها، بتوان در مورد بزه‌کارانی که مرتکب جرایم سنگین گردیده، یا مکرراً به ارتکاب جرم مبادرت می‌کنند و اعمال مجازات زندان در مورد آن‌ها ضروری است با اعمال این کیفر جامعه را از مخاطرات آنان

مصون و ایمن نگه داشت، ضمن اینکه امکان برنامه ریزی، اصلاح و تربیت آنان نیز با کاهش جمعیت زندان ها میسر خواهد بود .

۲- فرهنگ سازی مناسب و نهادینه کردن پذیرش مجازات های جایگزین حبس در جامعه از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی نظیر رسانه های جمعی زیرا مجازات های جایگزین فعلا در فرهنگ عمومی مردم جانپفته و مردم هنوز با کیفیت این مجازات ها مانوس نیستند .

۳- استفاده از تجربیات و مطالعات انجام شده توسط سایر کشورهای جهان در خصوص برنامه دهای جایگزین حبس، می تواند برای کشور ما مفید باشد. لکن باید دقت کرد که همه مجازات های جایگزین با ادب و رسوم فرهنگ ایرانی هم خوانی ندارد، لحاظ مجازات هایی با سنخیت بیشتر با ویژگی های این مرز و بوم و مقتضیات فرهنگی، اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی، جامعه شناسی، روان شناسی و سیاسی حاکم بر کشور موجب حصول نتایج اید وار کننده تری می شود .

۴- کاهش تراکم زندانیان از طریق قضا زدایی و اصلاح بعضی از قوانین مثل قانون چک، تسریع در روند رسیدگی و جلوگیری از اطاله دادرسی همانند استفاده بهینه از ظرفیت بخشنامه کاهش جمعیت کیفری مصوب ۱۳۹۸ .

۵- توسعه و ایجاد هرچه بیشتر مراکز حرفه اموزی برای بزهکاران و ایجاد هرچه بیشتر زمینه های اشتغال ایشان و معرفی به مراکز جهت اشتغال برای بعد از تحمل دوران حبس

۶- اجرای صحیح مجازات های جایگزین حبس؛ چرا که اگر به درستی اجرا نگردد مشکل ساز خواهد بود که ان هم مستلزم به کار گیری نیروهای متخصص و آموزش دیده و علاقه مند به کار می باشد . همچنین باید در فواصل زمانی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته تا میزان کارایی و عیب ایرادهای ان مشخص گردد .

منابع و ماخذ

- ۱- اشوری، محمد، بررسی جایگزین های حبس، همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین مجازات حبس، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۸، بهار ۱۳۸۱
- ۲-.....؛ جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، تهران، نشر گرایش، چاپ سوم ۱۳۹۴،
- ۳-.....، مجموعه مقالات همایش راه کارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، نشر میزان، چاپ اول، جایگاه زندان در سیاست کیفری جهان معاصر، ۱۳۸۶،
- ۴- اردبیلی، محمد علی، جایگزین های زندان های کوتاه مدت در حقوق کیفری ایران، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱-۱۲، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲،
- ۵-.....، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات میزان، جلد سوم، ۱۳۹۳،
- ۶- بابائی، محمد علی، جرم شناسی بالینی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۸،
- ۷- بولک، برنار، کیفر شناسی ترجمه ی علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، چاپ هشتم، نشر مجد، ۱۳۹۱،

- ۸- پیکا، ژرژ، جرم شناسی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرند آبادی، ویراست دوم، چاپ چهارم، نشر میزان، ۱۳۹۵
- ۹- پینا تل، ژان، کیفرهای جانشین و جرم شناسی، ترجمه ی علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله ی مطالعات حقوقی و قضایی، شماره ۶، ۱۳۶۵
- ۱۰- رستگار انار مرزی، حامد، حبس و اثار و پیامد های آن، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه ازاد واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق، ۱۳۸۶
- ۱۱- رستمی، علی، تحلیل بر عوامل تاثیر گذار زندان بر زندانی، انتشارات جنگل، ۱۳۹۰
- ۱۲- زبیراس، مارتین، حلاج زاده، هدا، بررسی تاثیر اعتیاد پدر بر رشد اجتماعی فرزندان ۱۲ تا ۱۸ سال در شهرستان دزفول، مجله ی مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال سوم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۰
- ۱۳- شیخی منش، مجتبی، رابطه بین سابقه و میزان تحمل حبس و تکرار جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه ازاد واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق، ۱۳۸۹،
- ۱۴- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۴
- ۱۵- طالبی، محمد علی، مجازات های جایگزین زندان، بایدها و نبایدها، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی، ۱۳۸۵
- ۱۶-.....، مجازات های جایگزین، توصیه ها و راهکارها، تهران، جلد سوم، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، چاپ اول، ۱۳۸۴
- ۱۷-..... مجازات های جایگزین، در اسناد بین المللی و نظام های حقوقی و تجربه کشورها، تهران، جلد دوم، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، ۱۳۸۴
- ۱۸- عبدی، عباس، تاثیر زندان بر زندانی، تهران، انتشارات نور، چاپ سوم، ۱۳۸۷
- ۱۹- عبدی، عباس، مجازات زندان و ارتکاب مجدد جرم، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۱

- ۲۰- علیپور، بهزاد، حبس بازدارنده یا تشدید کننده جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، دانشکده حقوق، ۱۳۸۶
- ۲۱- کرمانی ناظم الاسلام محمد بن علی، تاریخ بیداری ایرانیان، چاپ سوم، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۳
- ۲۲- گودرزی بروجردی، محمد رضا و مقدادی، لیلا، تاریخ تحولات زندان، چاپ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶
- ۲۳- گودرزی بروجردی، محمد رضا، نارسایی های زندان، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۹ و ۱۰، مشهد، پاییز وزمستان ۱۳۸۲
- ۲۴- گودرزی، محمد رضا و مقدادی، لیلا، کیفر شناسی نوین یا کیفرهای اجتماعی (تجربه ی ایران و دنیای معاصر)، چاپ اول، انتشارات مجد، ج ۱، ۱۳۸۴
- ۲۵- محسنی، ایرج، پیراسته، بهرام، حبس و اثرات نامطلوب آن بر خانواده، مجموعه مقالات اداره کل زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان اردبیل، ۱۳۹۳
- ۲۶- محسنی، رضا علی، اسیب شناسی مجازات زندان و حبس، ماهنامه دادرسی، شماره ۶۷، فروردین واردیبهشت، ۱۳۸۷
- ۲۷- محمدنسل، غلامرضا، نظارت الکترونیک بر بزهکاران، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره اول، ۱۳۸۴
- ۲۸- محمدی فرود، حمید، بررسی توصیفی زندان های کشور و تبیین مشکلات آنها، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۸۵، خرداد ۱۳۸۸
- ۲۹- میلیکی، ایوب، حبس زدایی خرد گرا، خروج از بحران تورم کیفری، ماهنامه اصلاح و تربیت، شماره ۵۳، مرداد ۱۳۸۵
- ۳۰- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تقریرات در جرم شناسی دوره ی دکتری، دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۸۲-۱۳۸۳)
- ۳۱- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، واریسی جایگزین های مجازات زندان در میزگرد، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۸، بهار ۱۳۸۱

- ۳۲- نجفی ابرند آبادی ، علی حسین ، مقدمه بر کتاب کیفر شناسی برنار بولک ، چاپ ششم، انتشارات مجد ، تهران ، ۱۳۸۵
- ۳۳- نجفی ابرند آبادی ، علی حسین و دیگران ، حبس خانگی ، مجله ی مدرس علوم انسانی ، دوره پنجم، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۰
- ۳۴- نوایی، ثمره ، حبس و تاثیرات ان بر زنان زندانی ، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی ، دانشگاه آزاد واحد اراک، دانشکده حقوق ، ۱۳۹۰